

شیوه‌ها و ابزارهای نو در آموزش زبان فارسی در هند

محمد آصف نعیم صدیقی*

زبان فارسی در هند به علت داشتن سابقه هفتصد ساله به عنوان «زبان رسمی» دارای اهمیت زیادی است. نیازهای ملی و فرهنگی هند را بدون زبان فارسی نمی‌توانیم کاملاً پاسخ‌گو باشیم. قریب به پنجاه دانشگاه بزرگ هند دارای دپارتمان زبان و ادبیات فارسی‌اند. علاوه بر دانشگاه‌های فوق در دوره مقدماتی، راهنمایی، و دبیرستان نیز زبان فارسی تدریس می‌شود.

تدریس زبان فارسی در دانشگاه‌های هند از دو لحاظ دارای اهمیت است. اولاً به عنوان زبان کلاسیک هند و ثانیاً به عنوان یک زبان خارجی.

زبان فارسی ریشه‌های عمیقی در این کشور به عنوان زبان کلاسیک دارد. مطالعه زبانی که چنین تأثیراتی در فرهنگ هند دارد، برای یک هندشناس در زمینه‌های زیر ضروری است:

1. تاریخ و فرهنگ، برای مطالعه منابع انسانی و مطالعات فرهنگی
2. باйкиانی، موزه‌ها و کتابخانه‌های شرق‌شناسی
3. مطالعات زبان‌شناسی، زبان‌ها و لهجه‌ها و گویش‌های محلی
4. مهندسی/معماری
5. علم طب و سایر علوم مانند علم موسیقی

همچنانکه اشاره شد فارسی به عنوان زبان خارجی نیز تدریس می‌شود. گر چه تبادل فرهنگی بین «کشور ایران و هند در زمان حکومت استعماری بریتانیا به حداقل رسید» اما خوشبختانه این روابط قطع نشد. همان‌گونه که در حال حاضر شاهد روابط بین دو کشور هندوستان و جمهوری اسلامی ایران در زمینه‌های فرهنگی، اقتصادی، صنعتی، کشاورزی، دام‌پروری و علمی هستیم، خوشبختانه آینده نگری صاحب منصبان هر دو کشور حاکی از گسترش روابط در زمینه‌های مذکور می‌باشد.

تأثیر آموزش زبان فارسی

ایران به حدّ زیادی نفت تولید می‌کند و اکنون دارای حدود میلیون‌ها تن ذخیره نفتی است و از لحاظ منابع گاز دومین کشور و از لحاظ منابع مس چهارمین کشور جهان می‌باشد. شاید برای پیشرفت اقتصادی به اطلاعات و تکنولوژی هند نیاز داشته باشد. ما می‌توانیم با همکاری دانشگاه‌های مختلف هند متخصصان هند را فارسی یاد بدهیم و برای کار در ایران آماده نماییم. بنده امیدوارم مطالعات، علاوه بر زبان و ادبیات فارسی، در زمینه‌های زیر درباره ایران از طریق آموزش زبان فارسی در هند انجام شود:

۱. کشاورزی و باسازى اقتصادى در ایران
 ۲. پیشرفت‌های صنعتی
 ۳. منابع زیر زمینی
 ۴. تجارت داخلی و خارجی
- کشور ایران با حدود هفتاد میلیون نفر جمعیت که حدود بیست و پنج درصد از آن زیر بیست و پنج سال هستند نیازمند به تحصیل در سطوح عالی می‌باشد. تلاش‌های زیادی بعد از انقلاب اسلامی توسط مسؤولان محترم جمهوری اسلامی ایران در توسعه دانشگاه‌ها صورت گرفته است. با توسعه آموزش زبان و ادبیات فارسی در هند متخصصان و اساتید هندی می‌توانند در این مورد به کشور ایران کمک شایانی ارائه کنند.
- اگر زبان و ادبیات فارسی در کشور هند گسترش یابد قطعاً این کشور می‌تواند با ارائه تکنولوژی خود در کشاورزی و با ارائه شیوه‌های جدید در احیای مراتع و دامداری و دام‌پروری کمک قابل توجهی بنماید.

شیوه‌ها و ابزارهای نو در آموزش زبان فارسی

در اواسط قرن نوزدهم میلادی زبان‌شناسان متوجه شدند که روش تدریس زبان فارسی نیاز به بازنگری و تغییر دارد و روش زبان آموزی مبتنی بر اصول و مبانی دستور و ترجمه کافی نیست. آقایان C. Marcel, T. Prendirgast و F. Gouin در پیدایش و طراحی شیوه‌های تدریس زبان اقدامات قابل توجهی انجام داده‌اند. آقای Gouin از اولین طراحان قرن نوزدهم است که توجه به آموختن زبان کودکان کرد و روش تدریس را با استفاده از مشاهده کودکان مطرح نمود. ما آن را به عنوان روش مستقیم (Direct Method) و روش طبیعی (Natural Method) می‌شناسیم. روش‌های آموزش زبان به شرح زیر است.

روش شفاهی (Oral Approach)

این روش در دهه‌های دوم و سوم قرن بیستم در بریتانیا رواج داشت. این روش بر تمرین شفاهی، دستور و نمونه جمله‌ها استوار بود.

روش شنوایی و گفتاری (Audio Lingual Method)

این روش از سال ۱۹۲۹ م در آمریکا توسط Coleman Report رواج پیدا کرد. این روش بر درک مفاهیم و متن مبتنی است. بر طبق این روش آموزش دهندگان از روی کتاب همراه با واژه‌نامه درس می‌دهند. هدف این روش توانایی در خواندن متن به صورت آهسته می‌باشد. در این روش روند هدایت و راهنمایی فراگیران بر صحبت کردن و گفتار صحیح و درست متمرکز است. آموزش قواعد و دستور زبان در این روش در درجه دوم اهمیت قرار دارد. در این روش فراگیران، ابتدا گفتگویی معمولی دو طرفه را که در متنی نوشته شده است که از روی نوار کاست و یا توسط معلم خوانده می‌شود، به دقت گوش می‌دهند و جمله به جمله تکرار می‌کنند. معلم به صدا، لهجه، سرعت در تکرار فراگیران توجه می‌کند و اگر فراگیران در زمان تکرار جملات الگویی، چه از جهت تلفظ و چه از جهت دستور، دچار اشتباه شوند بلادرنگ توسط معلم تذکر داده می‌شود تا اشتباه برطرف شود. فراگیران بدین طریق مکالمات را

حفظ می‌کنند. افزایش دامنه لغات و هم‌چنین کسب توانایی در نوشتن نیز مبتنی بر شنیدن مکالمات می‌باشد.

سی. ال. تی. (CLT)

این روش از دهه ششم قرن نوزدهم میلادی در انگلستان رواج پیدا کرد. این روش به جنبه کاربردی (Functional) و ساختاری (Structural) توجه منطقی دارد. در روش سی. ال. تی آموزش زبان به عنوان یک وسیله رساندن پیام مورد استفاده قرار می‌گیرد. طبق این روش با آموزش زبان باید در فراگیران توانایی ایجاد و افزایش قابلیت ارائه اهداف به وجود آید. در این روش به نکات زیر توجه بیشتری می‌شود:

۱. معنی لغات در درجه اول اهمیت قرار دارد.
۲. یادگرفتن زبان به معنای ایجاد ارتباط با دیگران است.
۳. به گونه‌ای با دیگران ارتباط برقرار شود که مؤثر واقع گردد.
۴. با توجه به نیاز فراگیران، تمرین ترجمه به کارگرفته شود.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

این جانب با توجه به تجربه‌ای که در طی چندین سال متوالی در آموزش زبان و ادبیات فارسی کسب نموده‌ام، می‌توانم اظهار کنم که به کارگیری هر یک از روش‌های مذکور به تنهایی نمی‌تواند مؤثر واقع گردد، لذا تلفیق روش‌های سی. ال. تی. و شنوایی - گفتاری و استفاده توأم از دو روش فوق هم معلم و هم فراگیران را راحت‌تر و سریع‌تر به هدف می‌رساند.

۱. فراگیران ابتدا باید به مکالمه گوش بدهند، همراه معلم بخوانند یا از طریق نوار گوش بدهند و تکرار کنند.
۲. فراگیران باید تلفظ صدا و سرعت گویایی را مورد توجه قرار بدهند.
۳. فراگیران با توجه به متون، خواندن و نوشتن و کاربرد لغات را تمرین کنند.
۴. از لابراتور زبان برای تلفظ صدا و سرعت گویایی استفاده کنند.
۵. فراگیران هر کلمه و جمله‌ای را که شنیدند مجدداً تکرار کنند.
۶. فراگیران متن‌های ساده را بخوانند و به پرسش‌های طرح شده پاسخ بدهند.

۷. از ارائه احساسات برای یادگیری زبان استفاده کنند.

۸. معلّم باید از جنبه‌های مختلف زندگی وسیله تمرین زبان را فراهم کند.

۹. معلّم باید توجه اساسی به گسترش دامنه لغات، جمله‌سازی و نگارش فراگیران داشته باشد.

۱۰. زبان آموزان باید از متن‌های ساده روزنامه‌ها برای تمرین در خواندن و فهمیدن استفاده کنند، زیرا روزنامه‌ها حاوی اصطلاحات روزمره اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و علمی هستند.

۱۱. زبان فارسی نیز مانند سایر زبان‌های دیگر دارای دو شکل ویژه است، گفتاری و نوشتاری. زبان گفتاری از کوتاه‌سازی واژه‌ها و افعال و همگون سازی صداها به وجود آمده است که غیربومی در درک آن با اشکال رو به رو می‌شود. دروس ما باید به آن گونه تهیه شود که این اشکال مرتفع گردد. راه حلّ این است که شکل گفتاری واژه‌ها همپای شکل نوشتاری ارائه شود. روش کار باید بر اصل شنیدن و تکرار استوار باشد. هم‌چنین نرم افزارهای تصویری براساس زبان گفتاری تهیه شود تا از طریق این روش کار آموزش زبان آسان‌تر شود.

۱۲. مواد درسی باید طوری تنظیم شود که براساس آن در هر هفته حداقل هشت ساعت کار در کلاس و هفت ساعت کار در منزل را ایجاد کند.

۱۳. در آغاز هر درس لغات مربوط به درس، ابتدا توسط نوار پخش گردد و توسط زبان‌آموزان تکرار شود. معلّم باید تلفظ زبان آموز را تصحیح نماید.

۱۴. پس از ارائه واژگان روی جمله‌سازی و نکات دستوری کار شود.

۱۵. با استفاده از کلمات ساده باید به فراگیران عادت داده شود که براساس دستور زبان، جملات با معنی بسازند. جاهای خالی جملات را با رعایت دستور زبان پرکنند.

۱۶. پس از یادگیری کاربرد واژه‌ها. مواد درسی طوری تهیه شود که در آن توجه اساسی به مفاهیم واژگان، خواندن متن، جمله‌سازی و نگارش داده شود تا فراگیران با خصوصیات زبان نوشتاری و آیین‌نگارش آشنایی پیدا کنند. هم‌چنین معلّم، متن درس را کلمه به کلمه با صدای بلند بخواند و فراگیران

جدا جدا تکرار کنند تا جای تکیه و تأکید در کلمات توسط معلم کنترل شود. در کار آموزش زبان تکرار منجر به نتیجه بهتر و سرعت در یادگیری می‌شود. هم‌چنین تمرین در نوشتن از روی متن و سپس نوشتن متن از طریق شنیدن در یادگیری زبان بسیار مؤثر می‌باشد.

۱۷. آزمون کلاسی به صورت شفاهی یا کتبی حد اقل هفته‌ای دوبار انجام گیرد.

۱۸. مواد درسی و محتوای متن در آموزش زبان نقش مهمی دارد. مراد درسی باید به گونه‌ای تهیه شود که شامل تمام زمینه‌های علمی، ادبی، تاریخی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و هنری باشد. هر متن، چه شعر و چه نثر، براساس سبک‌های مختلف تهیه گردد. در خلال متن معیارهای زبان شناسی و نکات دستوری هم از لحاظ صرف و هم از لحاظ نحو مورد استفاده قرار گیرد. مواد درسی هم‌چنین باید حاوی امثال مربوط به آیین نگارش نیز باشد. تکالیف باید واژه‌نامه و اصطلاحات و فهرست افعال را دربرگیرد.

ما بدان مقصد عالی توانیم رسید هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند

منابع

1. Allwright, R. L.: *Language Learning Through Communication Practice*, E L T Documents 76 (3) London, British Council, 1977.
2. Austin, J. L.: *How to do Things with Words*, Oxford, Clarendon Press, 1962.
3. Brooks, N.: *Language and Language-Learning: Theory and Practice*, 2nd ed. New York, Harcourt Brace, 1964.
4. Brown, H. D.: 1980, *Principles of Language Learning and Teaching*, Englewood Cliffs, N.J.: Prentice Hall.
5. Darian, S. G.: *English as a Foreign Language: History, Development and method of Teaching*, Norman, University of Oklahoma Press, 1972.
6. Hawatl, A. P. R.: *A History of English Language Teaching*, Oxford, Oxford University Press, 1984.
7. Jakobovits, L. A.: *Foreign Language Learning: A Psycholinguistic Analysis of the Issues*. Rowley Mass, Newbury House, 1970.